

پاکت میدادان مجلس سلطان افتاد مقبول نظر وی شد
 و وزیر کت مجلس ما را فرود ساخت و بدان سبب
 فرود می تخلص گرد چون چند کاه بر آمد بنظر شاهنا مامور
 شد هزار بیت بگفت و پیش سلطان آورد و تحسینها
 یافت و هزار دینار زر سرخش انعام فرمود پس در مدت
 سی سال شاهنا مامور را تمام ساخت و پیش سلطان
 آورد و بدستور آنچه پیشتر واقع شده بود در مقابلت هر
 گردند و گفتند شاعر چه قدر آن که ویرا بدین قدر عطا
 سافراز گردانند و صلوات بر او بشخصت هزار درم فرار او بد
 فرود می آید آن میباید برنجید گویند در آن وقت که آن درهما
 از درهما آوردند

از درهما آوردند و در حتام بود چون از حام بیرون آمد
 بیست هزار درم بجای داد و بیست هزار بقفای کما فقیه
 چند آورده بود و بیست هزار بان کسی که از او آورده بودند
 و سلطان از این جهت مدمت کرد
 اگر شاه را شاه بودی بدی
 چون اندر تبارش بزرگی نمود
 در خبی تلخست او را سرشت
 و از جو بی خلدش سنگام آب
 سرجام کوه بکار او داد
 ز بد اصل چشم می داشتن
 همان میوه تلخ بار او داد
 بد حال که در دیدک انباشتن
 ز نایب ازاده مدارد آمدن
 ناکه طوطی ده و قانور لیدر

مشوکی

ایستاد کتور کشای
 کس از من تیر ترش از خندان
 اگر خبدا بشد بدین بار